

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی – فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

کسب فیض

حضورِ دوست ، چه دعوای شاعرانه کنم
که نیست قدرتِ گفتار ، تا بهانه کنم
نه علم و نه هنری دارم و نه کسب و کمال
به چه بنازم و گردن بلند ز شانه کنم
خبر نباشدم از عقل و از خرد هرگز
به پا بایستم و ، گفتارِ عاقلانه کنم
ز بس که مهرِ عزیزان فتاده در دل من
به یک اشاره چنین منزلِ شبانه کنم
اگر اشاره دیگر شود ، ازان ترسم
که سیلِ اشک ، به سوی چمن روانه کنم
کنون به پاسِ ادیبی که آمد از ره دور
ز سوزِ دل طلبِ چنگ و گه چغانه کنم
به بارگاهِ حضورش رسیده ام اکنون
قلم بگیرم و توصیفِ واقعانه کنم
حضورِ حضرتِ عالیّ شان همی خواهم
همیشه باشم و خدمت به آستانه کنم

هرآن کسی که کند ، خدمتی به اهل قلم
به مژده خاک رهش ، روبم و چمانه کنم
اگرچه وقت ، بُود ضیق و راه منزل دور
چه چاره است به جز ، شکوه از زمانه کنم
چمن چمن گل مهر و وفا به مقدم شان
بیاشم از سر اخلاص و دیده ، لانه کنم
حضور اینهمه فرهنگیان و اهل ادب
غنیمت است به تیری دلم نشانه کنم
منم مرید می و ساقی و پیاله و جام
مباد لحظه ای تا کار خودسرانه کنم
بیامدم که شود ، کسب فیض از ایشان
خدا کند که چنین کار عارفانه کنم
به هر کجا که روم ، نیست در نظر جز او
ز فضل حق همه جا ، کیف عاشقانه کنم
گل است و بلبل و ساقی و جام در گردش
نگاه گوشه چشمی ، به آن یگانه کنم
نخورده بیخود و مست و خراب و مدهوشم
روم به دشت و دمن ، ترک آشیانه کنم
اگرچه بابلی ، با عنلیب ، در مستیست
بجاست ، گوش دلم کر ، ز هر ترانه کنم
کنون که خامه «نعمت» شکسته بیرنگ است
ز خون دل رقم و شرح این فسانه کنم